Journal of
Comparative Criminal Jurisprudence
www.jccj.ir

Volume 4, Issue 2, 2024

The Bases of Inefficiency of Incarceration in Judicial Criminal Policy

Majid Baghestani[1], Mahmood Ashrafy*[2], Masoud Heidari[3]

1. PhD Student of Criminal Law and Criminology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Law, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. (Corresponding Author)
3. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:
Original Research
Pages: ***13-23***

Corresponding Author's Info
ORCID: *0000-0001-5628-0978*
TELL: *+983135002000*
Email: *mahmood.ashrafy@yahoo.com*

Article history:
Received: *08 Aug 2023*
Revised: *12 Nov 2023*
Accepted: *01 Jan 2024*
Published online: *21 Jun 2024*

Keywords:
Alternative to Imprisonment, Prison, Criminal Policy, Punishment, Inefficiency.

ABSTRACT

In recent decades, explaining the adverse effects of imprisonment has been one of the most important concerns of lawyers, criminologists and other experts. This is not exclusive to theoretical and academic circles and has been reflected in the practical approach of many criminal justice systems to different extents and degrees. Despite what was said, imprisonment is still one of the most important punishments in different criminal policy systems, including in Iran's criminal policy. The aforementioned fact has revealed the need to address the inefficiency factors of this punishment more than ever; Based on this, the purpose of this article is to examine the question of what are the bases of the ineffectiveness of imprisonment in judicial criminal policy? This is a theoretical article and it has investigated the mentioned subject by using descriptive analytical method and in a library form. The findings indicate that at the level of judicial criminal policy, the directive-oriented and management-oriented approaches of the judicial system, the social background of judges, high workload and lack of sufficient expertise in them, as well as some of the orientations of the judicial procedure, should be among the most important factors of the inefficiency of imprisonment.

This is an open access article under the CC BY license. © 2024 The Authors.

How to Cite This Article: Baghestani, M; Ashrafy, M & Heidari, M (2024). "The Bases of Inefficiency of Incarceration in Judicial Criminal Policy". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 4(2): 13-23.

فصلنامه فقه جزای تطبیقی
www.jccj.ir
انجمن علمی فقه جزای تطبیقی ایران
فصلنامه فقه جزای تطبیقی

دوره چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳

بسترهای ناکارآمدی حبس در سیاست جنایی قضایی

مجید باغستانی[۱]، محمود اشرافی*[۲]، مسعود حیدری[۳]

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.
۲. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران. (نویسنده مسؤول)
۳. دانشیار، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی
صفحات: ۱۳-۲۳

اطلاعات نویسنده مسؤول
کد ارکید: ۰۰۰۰-۰۰۰۱-۵۶۲۸-۰۹۷۸
تلفن: ۰۰۰۲۰۰۰+۹۸۳۱۳۵
ایمیل: mahmood.ashrafy@yahoo.com

سابقه مقاله:
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۷
تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۱
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:
جایگزین حبس، زندان، سیاست جنایی، کیفر، ناکارآمدی.

چکیده

در دهه‌های اخیر تبیین آثار نامطلوب کیفر حبس، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های حقوق‌دانان، جرم‌شناسان و سایر صاحب‌نظران بوده است. این امر، منحصر به محافل نظری و دانشگاهی نبوده و در رویکرد عملی بسیاری از نظام‌های عدالت کیفری به انحا و درجات مختلف، منعکس گردیده است. باوجود آنچه گفته شد، کیفر حبس همچنان یکی از مهم‌ترین مجازات‌ها در نظام‌های مختلف سیاست جنایی و ازجمله در سیاست جنایی ایران است. واقعیت مزبور، ضرورت پرداختن به عوامل ناکارآمدی این کیفر را بیش از پیش، آشکار نموده است؛ بر این مبنا، هدف مقاله حاضر بررسی این سؤال است که بسترهای ناکارآمدی حبس در سیاست جنایی قضایی چیست؟ این مقاله نظری بوده و با استفاده روش توصیفی ـ تحلیلی و به‌صورت کتابخانه‌ای به بررسی موضوع مورد اشاره پرداخته است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که در سطح سیاست جنایی قضایی، رویکردهای بخشنامه‌محورانه و مدیریت‌گرایانه دستگاه قضایی، پیشینه اجتماعی قضات، حجم کاری بالا و فقدان تخصص کافی در آن‌ها و نیز پاره‌ای جهت‌گیری‌های رویه قضایی را بایستی از مهم‌ترین عوامل ناکارآمدی مجازات حبس برشمرد.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.

© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

مقررات کیفری در کشور در سه دهه اخیر دستخوش تحولات زیادی بوده است و همواره تلاش بر این بوده است که با تغییر در مقررات کیفری، گاهی با تشدید مجازات‌ها گاهی با کاهش مجازات‌ها، گاهی با حبس‌زدایی (میرخلیلی و یعقوبی، ۱۳۹۲: ۹۹-۱۲۸)؛ با این هدف که آمار جرایم در کشور کاهش یابد و مجازات‌ها جنبه بازدارندگی بیشتری پیدا کند و به اصطلاح مجرمین کمک شود و منجر به بازدارندگی فردی و جمعی شود، مقررات کیفری تغییرات زیادی نموده است، لیکن در عمل نه‌تنها آمار جرایم کاهش پیدا ننموده است، بلکه هرساله شاهد رشد آمار جرایم و افزایش حجم ورودی پرونده‌ها به دستگاه قضایی هستیم و از طرفی مجازات‌ها علی‌الخصوص حبس، جنبه بازدارندگی خود را از دست داده است، چراکه شاهد تکرار جرایم توسط مجرمینی هستیم که قبلا به حبس محکوم شده‌اند و مجازات حبس در مورد آن‌ها اجرا شده است، ولی مجددا همین فرد مرتکب همان جرم یا جرایم جدیدی شده است. این مسأله سبب شده است تا مقنن به این سمت و سو گرایش کند که مجازات حبس را تقلیل دهد و لذا قانون کاهش مجازات حبس تعزیری را تصویب می‌نماید یا قوه مجریه به جای این‌که بودجه برای ساخت زندان‌ها و گسترش فضای مناسب برای زندان و افزایش بودجه‌ها جهت هزینه در راستای اصلاح زندانیان بنماید، اقدام به تقدیم لوایح مربوط به کاهش مجازات‌های حبس و یا تبدیل حبس به جزای نقدی می‌نماید و تمایل به استفاده بیشتر از مجازات‌های جزای نقدی (به‌لحاظ درآمدزایی برای دولت) دارد و قوه قضاییه نیز مکرر در بخشنامه‌ها و لوایح قضایی و ... به‌دنبال کاهش جمعیت کیفری است و این یعنی بی‌دفاع‌کردن جامعه در چند سال آینده در مقابل سیل زیادی از مجرمینی که اصلاح و تأدیب نشده‌اند و در جامعه رها هستند و امنیت شهروندان را به خطر می‌اندازند. همین امر دستمایه نگارش مقاله حاضر شده و انجام آن را به ضرورت مبدل ساخته است.

درخصوص مجازات حبس پژوهش‌های متعددی انجام شده است: فاطمه برومند در مقاله‌ای، به ارزیابی بازدارندگی مجازات حبس، جزای نقدی و تعلیق مجازات در جرایم نظامی پرداخته است (برومند، ۱۳۹۲: ۹۷-۷۵). علیرضا حسینی و زهره زینی‌زاده نیز در مقاله‌ای، جایگزین‌های حبس در راستای کاهش مجازات حبس تعزیری را مورد بررسی قرار داده‌اند (حسینی و زینی‌زاده، ۱۴۰۰: ۱۲۳-۱۰۵). همچنین علی خالقی در مقاله‌ای، قانون کاهش مجازات حبس تعزیری و قاعده‌ی اجرای فوری قوانین را بررسی کرده است (خالقی، ۱۴۰۰: ۳-۱). تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام‌شده این است که هدف این مقاله بررسی بسترهای ناکارآمدی حبس در سیاست جنایی قضایی است. براساس آنچه گفته شد، سؤال اساسی این است که دلایل و بسترهای ناکارآمدی حبس در سیاست جنایی قضایی ایران کدام است؟ به‌منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا رویکردهای کلی دستگاه قضایی بررسی می‌شود و در ادامه از معضلات فراروی قضات بحث شده و درنهایت جهت گیری رویه قضایی در این خصوص تبیین و تحلیل می‌شود.

۱- تأثیر رویکردهای کلی دستگاه قضایی بر ناکارآمدی حبس در سیاست جنایی قضایی

«سیاست جنایی قضایی، یعنی نحوه استنباط و برداشت دستگاه قضایی از سیاست جنایی تقنینی و به‌نحوه اعمال قوانین و مقررات مربوط است که از «اصل متغیربودن تفسیر قواعد حقوق کیفری» نشأت می‌گیرد. نحوه دریافت گفتمان سیاست جنایی قانون‌گذار توسط قوه قضاییه و نیز چگونگی اعمال و اجرای سیاست جنایی تقنینی توسط مراجع قضایی، بدنه سیاست جنایی قضایی را تشکیل می‌دهد» (خاکسار و غلامی، ۱۳۹۷: ۱۶۰-۱۳۱). «سیاست جنایی قضایی همواره با سیاست جنایی تقنینی، منطبق و یکسان نیست. تنوع و تعدد رویه‌ها و تصمیمات قضایی در عمل، نشانگر نبود وحدت در سیاست جنایی قضایی و نسبی‌بودن آن از یک‌سو و عدم انطباق کامل آن با سیاست جنایی تقنینی از سوی دیگر است» (لازرژ، ۱۴۰۰: ۱۴۷-۱۴۶). «کثرت‌گرایی در سیاست جنایی قضایی، نوعی کثرت‌گرایی درون‌متنی و در لایه‌های درونی قانون است و ویژگی وحدت‌گرایانه سیاست‌گذاری جنایی را برهم نمی‌زند» (رستمی، ۱۴۰۰: ۳۲۱-۲۹۷).

۱-۱- بخشنامه‌محوری

بخشنامه در مفهوم عام، به‌معنای دستورالعمل‌های وضع‌شده توسط مقامات قضایی است که در برخی موارد، تأیید مقامات بالاتر را نیز کسب کرده‌اند. هدف از صدور بخشنامه‌ها به‌طور معمول، یکسان‌سازی شیوه اجرای قوانین از طریق آموزش‌های لازم و شفاف‌سازی است. مشخص است که بخشنامه‌ها به‌لحاظ قانونی، موجد و منشأ حق و تکلیف تازه‌ای نیستند و درصورت تعارض با قانون، نباید ملاک عمل قرار گیرند (رستمی، ۱۴۰۰: ۳۲۱-۲۹۷).

باوجود آنچه گفته شد، «دستگاه قضایی ایران از نیمه دوم دهه نود خورشیدی با صدور بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های گوناگون که پاره‌ای از آن‌ها نیز استیذانی هستند[۱]، بعضا از سیاست جنایی تقنینی فاصله گرفته و اهداف دیگری را دنبال می‌کند. ایستایی و گرفتگی فرآیند کیفری که با انبوهی از پرونده‌ها روبه‌رو بوده و ناکارآمدی در حل‌وفصل دعاوی در مهلت معقول، دلیل عمده گرایش به سیاست بخشنامه‌ای است که با عدول از قانون، به‌دنبال قضازدایی، میانجی‌گری[۲]، اختصاری‌سازی رسیدگی و در پاره‌ای موارد، سخت‌گیری است» (شهشهانی، ۱۳۸۶: ۱۹۳).

در ارتباط با مجازات حبس نیز بایستی اذعان داشت که سیاست جنایی قضایی ایران، شیوه‌های متفاوتی را دنبال کرده است و دست‌اندرکاران قوه قضاییه با صدور آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های متفاوت، سعی در حبس‌زدایی داشته‌اند. در این خصوص، سیاست جنایی قضایی، سیر تحول ثابت و هدفمندی را طی ننموده و تصمیمات و اقدامات با اتکا به نظرهای شخصی در هر دوره‌ای، به‌طور افتراقی و اتفاقی پیش رفته است (کردعلیوند و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۲۹۴-۱۲۷۴). در تاریخ ۱۳۹۸/۰۵/۰۵ در اجرای تبصره قسمت ۳ بند «ت» ماده ۱۱۳ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه، «دستورالعمل اجرایی اعلام برخط ظرفیت پذیرش زندانیان به مقامات قضایی صلاحیت‌دار» به تصویب رییس قوه قضاییه رسید؛ مطابق ماده ۵ این دستورالعمل: «**قضات دادسراها و محاکم مکلفند جز در موارد ضروری، از صدور قرارهای تأمین منتهی به بازداشت و یا احکام حبس خوددارئ و از تأسیس‌های کیفری، موضوع قانون آیین دادرسی کیفری، قانون مجازات اسلامی و دستورالعمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها مانند تعلیق تعقیب یا مجازات، تعویق صدور حکم، آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، آزادی مشروط و مجازات‌های جایگزین حبس استفاده نمایند.**» براساس تبصره ماده ۵: «**رییس کل دادگستری استان موظف است گزارش اقدامات انجام‌شده موضوع این ماده را هر سه‌ماه یک‌بار به دادستان کل کشور و دادستان انتظامی قضات ارائه نمایند.**» همچنین در تاریخ ۱۳۹۸/۰۵/۳۱ رییس قوه قضاییه در اجرای بند ۶۴ سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه و مقررات قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی در زمینه حبس‌زدایی، «دستورالعمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها» را تصویب و ابلاغ کرد. راهکارهای اعمال سیاست حبس‌زدایی در مواد مختلف این مقرره دیده می‌شود و تکالیف متعددی برای مقامات مختلف در راستای تحقق حبس‌زدایی، پیش‌بینی گردیده است، ازجمله مواد ۲ تا ۴، مقررات متعددی جهت کاهش صدور قرارهای تأمین کیفری منتهی به بازداشت پیش‌بینی کرده‌اند؛ ماده ۷ قضات

---

[۱]- مثل «آیین‌نامه اجرایی نحوه رسیدگی به جرایم اخلالگران در نظام اقتصادی کشور» مصوب (۱۳۹۷/۰۸/۲۳) و نیز «آیین‌نامه اجرایی نحوه رسیدگی به جرایم عمده و کلان اخلالگران در نظام اقتصادی کشور» مصوب (۱۳۹۹/۰۷/۰۸). «بایستی اذعان داشت که افزایش نرخ ارزهای خارجی در برابر ریال در دهه اخیر (نود خورشیدی) که به‌دنبال تشدید تحریم‌های خارجی ایجاد شد و سوءاستفاده برخی از ارزهای مرجع دولتی و سردرگمی مدیران اقتصادی در مهار مشکلات و بالاخره نارضایتی گسترده عمومی در قبال انفعال دستگاه قضایی در برخورد با متخلفان سبب شد تا مقامات قضایی، مضطربانه و در جهت اقتداربخشی به عدالت کیفری با کنارگذاری هنجارهای قانونی متعارف، دادگاه ویژه رسیدگی به این جرایم را با صلاحیت بخشنامه‌ای پیش‌بینی کنند» (رستمی، ۱۴۰۰: ۳۰۸).

[۲]- «میانجی‌گری در مصداق‌ها و انواع مختلف آن می‌تواند از همان ابتدا از ورود پرونده به نظام عدالت کیفری جلوگیری کند. ممکن است پرونده در مرحله پیگرد به‌منزله یکی از روش‌های قضازدایی از قلمرو نظام پیگرد و دادرسی بیرون رود یا حین رسیدگی کیفری، از آمار پرونده‌ها کسر شود یا حتی پس از مجازات مجرم، از آمار پرونده‌های مراکز اصلاح و تربیت، زندان‌ها و اقدام‌های احتیاطی کسر شود. در این صورت، نظام عدالت کیفری به رسیدگی به جرم‌های بسیار مهم‌تر اختصاص یافته و این پرونده‌ها به دور از شتاب‌زدگی و بی‌دقتی مورد رسیدگی قرار می‌گیرند، قانون‌گذار ایرانی در مواد ۸۲ الی ۸۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ موضوع میانجی‌گری را که از مهم‌ترین جلوه‌های سیاست جنایی مشارکتی می‌باشد، مطرح نموده و نهادهایی مثل شورای حل اختلاف یا مؤسسات میانجی‌گری را در پرونده کیفری دخیل نموده است که نتیجه آن، می‌تواند اعمال پاسخ‌های غیرکیفری و جامعوی باشد» (رستمی، ۱۴۰۰: ۲۹۷).

محاکم بدوی و تجدید نظر و رؤسای کل دادگستری استان‌ها را مکلف به اجرای سیاست حبس‌زدایی نموده، ماده ۱۰ رؤسای زندان‌ها و قضات اجرای احکام کیفری را موظف به بررسی وضعیت محکوم از حیث برخورداری از شرایط آزادی مشروط و ارسال پرونده به دادگاه نموده است، ماده ۱۳ شورای طبقه‌بندی و قضات اجرای احکام کیفری را موظف به تشکیل جلسات منظم و اتخاذ تصمیم در مورد اعمال نهادهای حبس‌زدا کرده و ماده ۱۷ قضات اجرای احکام کیفری را مکلف به بررسی امور زندانیان و اقدام لازم جهت بهره‌مندی از تأسیسات حبس‌زدا نموده است. درنهایت سند تحول قضایی که در تاریخ ۱۳۹۹/۰۹/۳۰ به تصویب رییس قوه قضاییه رسید نیز بر اجرای سیاست‌های حبس‌زدا تأکید نمود. مأموریت سوم مقرر در این سند، نظارت بر اجرای صحیح قوانین و حسن جریان امور تعیین شده است و چالش‌ها، عوامل، راهبردها و راهکارهایی نیز در نظر گرفته شده است. در مبحث راهکارها، بخشی از شاخص‌های ارزیابی عملکرد قضات به استفاده از نهادهای حبس‌زدا اختصاص یافته است. علاوه‌بر موارد فوق، ریاست قوه قضاییه نیز با اصلاح مکرر آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، در مواعید و مناسبت‌های مختلف، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های مختلفی را درخصوص اعطای مرخصی‌های بلندمدت به زندانیان (علاوه‌بر مرخصی‌های موضوع آیین‌نامه مزبور) صادر نموده است.

۲-۱- مدیریت‌گرایی

در این قست به بررسی مدیریت‌گرایی در قوه قضاییه به‌عنوان یکی از بسترهای ناکارآمدی حبس در سیاست جنایی قضایی پرداخته می‌شود.

۱-۲-۱- بسترهای شکل‌گیری مدیریت‌گرایی

در دهه‌های اخیر، تفکر اصلاحات اساسی در دستگاه قضایی به‌منظور جلوگیری از پدیدارگشتن بحران مشروعیت در این حوزه از اداره کشور، به گفتمان سیاست‌گذاری حقوقی و کیفری اکثر کشورها راه پیدا نموده است. پیدایش تفکراتی نوین در راستای مدیریت قضایی (پروین و حیدرنژاد، ۱۳۹۸: ۱۳۴-۱۱۱) و منابع انسانی و مالی آن و تأکید بر مؤلفه‌هایی همچون سرعت، کارایی، قابلیت محاسبه، پیش‌بینی و کنترل در دستگاه قضایی، جملگی باعث تبدیل این دستگاه به نظامی «مدیریت‌گرا» و «مختومه‌محور» گردیده‌اند.

۲-۲-۱- مؤلفه‌های مدیریت‌گرایی

مدیریت‌گرایی کیفری از همه بازیگران و کنشگران خود (ازجمله قضات) انتظار دارد بدون توجه به سایر ارکان سیستم (مثل بزه‌دیده، بزهکار، شاکی، متشاکی و جامعه) به نقش خاص خود عمل نمایند (بوم، ۱۳۸۹: ۱۸۵-۱۵۳). این نظام، رویکردهای زودبازده را جایگزین رویکردهای زمان‌بر و دیربازده می‌نماید و به همین روی دستگاه قضایی، کارآیی و اثربخشی اقدامات خود را در طرح‌های ضربتی، آمار بالای پرونده‌های مختومه و سرعت در دادرسی و اجرای حکم خلاصه می‌کند تا از طریق کمیت و آمار، عملکرد خود را مطلوب و مناسب جلوه دهد. به‌طور خلاصه بایستی گفت گزارش‌های مبتنی‌بر شیوه‌های مدیریتی نهادهای عدالت کیفری، سرشار از صورت انگاشت‌ها، نمودارها، ارزیابی‌های فنی و مقیاس‌های اثربخشی است، اما در عمل، فقط حاوی مطالب کمی و آمار است. به بیان دیگر، عدالت کیفری مک دونالدی (بوم، ۱۳۸۹: ۱۸۵-۱۵۳) مطرح می‌شود. در عدالت [۲] کیفری مک دونالدی، تأکید بر کمیت به جای کیفیت است.

۱- تعاریف مختلفی از مدیریت قضایی ارائه شده که شمول و گستردگی وظایف و کارکردهای مدیران قضایی در آن‌ها متفاوت است. برخی از تعاریف به‌عمل‌آمده بدین‌شرح است: مدیریت قضایی متشکل از رویه‌ها و دفاتر و ادارات مربوط به مدیریت سازمانی دادگاه‌هاست. از مهم‌ترین مسائل و دغدغه‌ها در عرصه مدیریت سازمان و دستگاه قضایی و دادگاه‌ها، مسأله بودجه، تخصیص پرونده به قضات، ایجاد و تأسیس دادگاه جدید، تهیه تقویم و زمان‌بندی اجرایی فعالیت‌ها و نظارت بر کادر اداری و کارکنان غیرقضایی بوده است. بنابراین اداره و مدیریت قضایی اصطلاح گسترده‌ای است و حجم وسیعی از فعالیت اعم از مدیریت منابع مالی، زیرساخت‌ها، مدیریت و توسعه منابع انسانی و ... را شامل می‌شود. همچنین مدیریت قضایی به مجموعه اقداماتی که دستگاه قضایی برای نظارت، کنترل بر پرونده‌ها استفاده می‌کند، از لحظه ثبت دادخواست تا تکمیل کار دادگاه و درنهایت صدور حکم نیز تعریف شده است.

۲- «مک دونالدی‌شدن» یا «مک دونالدی‌کردن» عدالت کیفری، تعبیری از مجموعه تحولات عدالت کیفری زمینی است که دارای عناصری همچون، کارایی، قابلیت محاسبه، قابلیت پیش‌بینی، کنترل و غیرعقلانی‌بودن منطقی

۳-۲-۱- چالش‌های مدیریت‌گرایی

هدف مدیریت‌گرایی کیفری، مدیریت کمی بزهکاران است تا از طریق سرعت‌بخشی به فرآیند دادرسی، به این مهم دست یابد و طبیعی است که این رویکرد از به‌کارگیری آموزه‌های کارشناسی و علمی در تعیین و اجرای مجازات (ازجمله حبس) خودداری خواهد نمود. از دیگر چالش‌های کاربرد مدیریت‌گرایی در حوزه عدالت قضایی ـ که در عرصه نظریه و عمل، توجه اندیشمندان و سیاست‌گذاران را به خود جلب کرده است ـ چگونگی تعادل‌بخشی و توازن میان دغدغه‌های مدیریتی و ملاحظات تحقق عدالت است (قاسمی کهریزسنگی و فرجیها، ۱۳۹۴: ۵۴-۲۹)؛ به بیان دیگر، حقوق از سویی باید همگام با تحولات اجتماعی، متحول شده و پویا باشد، لیکن از سوی دیگر، تحولات حقوقی باید در چهارچوب اصول حقوقی مسلم و پذیرفته شده باشد. به‌عبارت دیگر، سرعت تغییرات، نباید حقوق را مرعوب خود سازد، به‌نحوی‌که با صدور شتاب‌زده احکام و بدون رعایت اصول حاکم بر قواعد حقوقی و مبانی و اصول دادرسی منصفانه، نقض غرض گردد که درنهایت، نتیجه‌ای جز تضییع حقوق اصحاب دعوی و نقض قواعد دادرسی عادلانه نخواهد داشت (شهبازی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴۸-۱۲۱).

۴-۲-۱- مدیریت‌گرایی در نظام عدالت کیفری ایران

در نظام عدالت کیفری ایران، پیش‌بینی و صدور تصویب‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها در دستگاه قضایی مبنی‌بر تعیین کف و حداقل تعداد پرونده‌های رسیدگی‌شده ماهانه برای شعبه‌های کیفری (اعم از دادسرا و دادگاه کیفری) و تعیین بهره‌وری برای قضاتی که مازاد بر این کف در ماه، پرونده‌هایی را به نتیجه و سرانجام رسانده‌اند، همه در راستای رویکرد مدیریت‌گرایی و اهمیت نگرش کمی به عوض کیفیت رسیدگی است (قماشی و احمدی، ۱۳۹۷: ۵۰-۹). به‌عنوان نمونه بند «چ» ماده ۲۴ آیین‌نامه نحوه بازرسی، نظارت و ارزشیابی رفتار و عملکرد قضات (مصوب ۱۳۹۲)، کمیت کار قضایی را یکی از موضوعات مورد نظارت و ارزشیابی در مورد قضات برشمرده است. همچنین می‌توان به دستورالعمل ساماندهی و نحوه اعمال نتایج ارزشیابی کارکنان دستگاه قضایی مصوب ۱۳۹۸ اشاره نمود که کلیه کارکنان دستگاه قضایی و سازمان‌های وابسته (اعم از قضات، مدیران قضایی و اداری) مشمول این دستورالعمل شده (ماده ۳) و به‌منظور ارزشیابی عملکرد هریک از کارمندان قوه قضاییه براساس ضوابط و شاخص‌های این دستورالعمل، کاربرگی که «کارنامه اداری» نامیده می‌شود، توسط معاونت منابع انسانی تنظیم می‌شود (ماده ۵) و مدیران قضایی و اداری و مراجع نظارتی مکلفند اطلاعات و گزارش‌های مربوط به قضات و کارمندان را به‌همراه مستندات جهت بررسی، درج در سوابق و اقدامات لازم حسب مورد به مراجع ارزشیابی اعلام نمایند (ماده ۷). همین‌گونه است دستورالعمل ساماندهی تعیین اوقات رسیدگی به پرونده‌های قضایی در دادگستری (مصوب ۱۳۹۹) که یکی از اهداف خود را امکان ارزیابی عملکرد قضات با شاخص تعداد اوقات رسیدگی تعیین نموده است.

تأکید بیش از حد و اندازه مدیران قوه قضاییه بر کمی‌گرایی و جذب امتیازات سیستمی، امروزه بزرگ‌ترین تهدید قضایی کشور بوده و نگرانی‌هایی را درباره کاهش دقت و توجه بیش از اندازه به «آمار» ایجاد می‌کند. این نگرانی، نه‌تنها در میان ناظران بیرونی که در بین کارکنان دستگاه قضایی نیز وجود دارد. برای مثال، چندی پیش یکی از قضات دادگستری باتوجه به کثرت پرونده‌ها و الزام به ارائه آمار خاص در پایان هر ماه، از یکی از مراجع تقلید درباره حکم قضاوت‌کردن در

است. عدالت کیفری مک دونالدی، باید با سرعت لازم به هدف اصلی خود، یعنی کنترل جرم دست یابد. چنین عدالتی ممکن است جهت حصول به هدف مذکور، حتی به عدالت کیفری خط مونتاژی تبدیل شود. ویژگی دیگر عدالت کیفری مک‌دونالدی‌شده، «قابلیت خرید و فروش» آن است؛ در عدالت کیفری مطلق، عدالت، در مقابل هیچ کالایی قابل دادوستد نیست، اما عدالت کیفری زمینی‌شده را می‌توان دادوستد کرد، به معامله پایاپای گذاشت و برای کاهش جمعیت کیفری زندان و تأمین هزینه‌های اجرای عدالت کیفری و یا افزایش میزان قطعیت نتایج احکام کیفری، آن را مورد معامله قرار داد.

[۱]- «دستورالعمل ارزیابی عملکرد دادگستری‌ها، حوزه‌های ستادی و سازمان‌های وابسته به قوه قضاییه» (مصوب ۱۳۸۶/۰۸/۱۲)، شاخص را به مشخصه‌ای که در اندازه‌گیری ورودی‌ها، فرآیندها، ستادها و یا پیامدها مورد استفاده قرار می‌گیرد (بند «ج» ماده ۱) تعریف نموده و هدف از آن را سنجش، ارزش‌گذاری و قضاوت درخصوص عملکرد دادگستری‌ها، حوزه‌های ستادی و سازمان‌های وابسته قوه قضاییه براساس قوانین و مقررات و شرح وظایف و برنامه‌های مصوب با رویکرد معیارهای اثربخشی، کارایی اقتصادی و اخلاقی به‌منظور ارتقای کیفیت خدمات و نیل به اهداف قوه قضاییه می‌داند (ماده ۲).

وضعیتی که کثرت پرونده‌های محوله، قاضی را به اشتباه بیندازد، سؤال کرده بود (میرکمالی و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۱).

۲- تأثیر معضلات فراروی قضات بر ناکارآمدی حبس در سیاست جنایی قضایی

در این قسمت به بررسی تأثیر معضلات فراروی قضات بر ناکارآمدی حبس در سیاست جنایی قضایی پرداخته می‌شود.

۲-۱- پیشینه اجتماعی قضات

اگرچه معیار در تصمیم‌گیری‌های قضایی، قانون، شواهد و مدارک است، عوامل دیگری نیز نقش اساسی در این زمینه ایفا می‌کنند؛ «پیشینه اجتماعی قضات (ازجمله دین و مذهب قاضی، تحصیلات، جنسیت، نژاد، سن یا تجربه، سوابق استخدامی، وضعیت مالی و تعلقات سیاسی) از عوامل تأثیرگذار بر آرای قضایی است» (پورمحمدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۲۷-۴۰۹).

«ظاهرا این واقعیت که قضات در معرض تأثیرپذیری از عواملی غیر از حقایق پرونده قرار دارند، مورد پذیرش و اتفاق همه حقوق‌دانان است و اگر اختلافی وجود دارد، بیشتر در میزان تأثیرگذاری این عوامل است. اثرگذاری این موارد به خودی خود، خوب یا بد، مثبت یا منفی ارزیابی نمی‌شود» (محقق داماد و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲۴)؛ «چراکه نمی‌توان انسان را از زمینه اجتماعی‌اش منفک کرد. برخی از طرفداران مکتب واقع‌گرایی در حقوق، تأثیر عواملی مثل شخصیت و پیشینه اجتماعی قاضی را بیش از حقایق پرونده دانسته‌اند. ایشان معتقدند اغلب حکمی که دادرس صادر می‌کند، نه برآمده از قیاس منطقی و تطبیق قانون بر مصادیق، بلکه محصول چندین فرآیند درونی است که قاضی با استفاده از ابزارهای تفسیری و سایر ابزارهایی که در اختیار دارد، آن را توجیه کرده و به قانون‌گذار نسبت داده است» (پورمحمدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۲۷-۴۰۹). **هومز**، از بنیانگذاران مکتب واقع‌گرایی حقوقی در آمریکا، درخصوص چگونگی تکوین رأی دادرس می‌نویسد: «**رأی دادگاه، محصول ناخودآگاه تعصبات غریزی و ارتباطات ذهنی غیرقابل توصیف است و حتی تعصباتی که مشترکا میان قضات و افراد عادی وجود دارد، به مراتب بیش از استدلال منطقی در تعیین اصول و مقرراتی که باید بر سرنوشت مردم حاکم باشد، مؤثر است**» (صانعی، ۱۳۸۲: ۴۸۵).

۲-۲- حجم کاری (تراکم پرونده)

ناگفته پیداست که عدالت کیفری‌ای که دچار تراکم شدید پرونده باشد، به‌طور ناقص و به‌گونه‌ای به انتظار شهروندان پاسخ می‌دهد که غالباً تصویر عدالتی دور از دسترس، کند و نیز ناسازگار با شیوه کار خود و مجازات‌های صادره را ارائه می‌دهد (لازرژ، ۱۴۰۰: ۱۷۸). در بسیاری از حوزه‌های قضایی، قضات بیش از ۲ برابر استاندارد در حال رسیدگی به پرونده‌ها می‌باشند. حجم بسیار زیاد پرونده‌ها، باعث می‌شود مقام قضایی، فرصت کافی برای پرداختن به جزئیات پرونده را نداشته باشد، چراکه بررسی وضعیت و شخصیت مرتکب، اوضاع و احوالی که باعث ارتکاب بزه شده، نقش بزه‌دیده و سایر عوامل دخیل در وقوع جرم، زمان‌بر می‌باشد و در شرایطی که عملا پرونده شخصیت نیز برای متهمین تشکیل نمی‌شود و در موارد اجباری نیز به‌صورت کارشناسانه تهیه و تنظیم نمی‌گردد، قضات فرصتی برای پرداختن به این امور ندارند، درنتیجه به سهل‌ترین شیوه، یعنی مجازات زندان متوسل می‌شوند (رسولی امیر حاجلو و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۴۴-۲۱۹). آمارهای ورودی بسیاری از شعب دادسرا و محاکم کیفری، بیش از ۲۰۰ پرونده در ماه می‌باشد. چنانچه روزهای اداری ماه، ۲۵ روز باشد، هر قاضی باید هر روز، ۸ پرونده را به سرانجام برساند تا با آمار منفی مواجه نشود. با شرایط مذکور، قضات تنها می‌توانند به اصل موضوع، یعنی احراز یا عدم احراز مجرمیت متهم بپردازند و پرداختن به سایر موارد و توجه به اصل فردی‌کردن مجازات و تطبیق مجازات حبس با شرایط خاص هر پرونده، عملا با محدودیت شدید مواجه است (رسولی امیر حاجلو و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۴۴-۲۱۹).

۲-۳- فقدان تجربه کافی

«بی‌تجربگی قاضی از چند بعد قابل توجه است: یکی از بعد کم‌سابقه‌بودن برخی قضات و حس قدرت‌طلبی و برتری‌جویی آنان و دیگری از بعد عدم آشنایی و درک صحیح اکثر قضات از شرایط و وضعیت زندان و تحمل حبس. قاضی جوانی که

کمتر از ۲۵ سال سن دارد و هنوز تجربه کافی در زندگی شخصی و اجتماعی ندارد و شخصیت وی به‌نحو کامل تکوین نیافته است، با ابلاغ قضایی به‌عنوان دادیار یا دادرس دادگاه بخش مشغول انجام وظیفه می‌شود و باتوجه به قدرتی که قانون در اختیار وی قرار داده است، می‌تواند افراد متهم را با توسل به قانون، به زندان روانه کند، بدون این‌که درک درستی از جرم، مجرم و مجازات زندان داشته باشد، گذشته از آن، اگر شخصیت سنجیده‌ای نداشته باشد، نوعی طیب خاطر هم از عمل خودف خواهد داشت و به‌نحوی، حس قدرت‌طلبی و برتری خود را ارضا خواهد کرد. بعد دیگر بی‌تجربگی قضات به عدم آشنایی و عدم درک صحیح آنان از شرایط و وضعیت حاکم بر زندان و نیز سختی واقعیت تحمل زندان است، اکثر قضات درک صحیحی از آن ندارند. یکنواختی رسیدگی به پرونده‌های دارای زندانی، موجب می‌شود تا نوعی عادت و بی‌تفاوتی در قضات ایجاد گردد و به اصطلاح، دچار روزمرگی می‌شوند» (میرخلیلی و یعقوبی، ۱۳۹۶: ۱۲۸-۹۹).

۳- تأثیر جهت‌گیری رویه قضایی بر ناکارآمدی حبس در سیاست جنایی قضایی

در این قسمت به بررسی تأثیر جهت‌گیری رویه قضایی بر ناکارآمدی حبس در سیاست جنایی قضایی پرداخته می‌شود.

۳-۱- عدم توجه به جایگزین‌های حبس در موارد لزوم

«بررسی کمیت و کیفیت آرا، درخصوص مجازات‌های جایگزین حبس نشان می‌دهد که قوانین موجود، فراتر از هوش علمی، معیارهای اخلاقی و میزان مسؤولیت‌پذیری اجتماعی قضات هستند» (میرکمالی و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۵-۱۲). «هنگامی که بدون توجه به آسیب‌های زندان، به مجازات حبس حکم داده می‌شود و یا بدون توجه به نوع جرم و شخصیت متهم حکم صادر گردد، مفهوم بی‌تفاوتی اجتماعی، عینیت بیشتری پیدا می‌کند. بی‌تفاوتی از یک‌سو حاصل عدم آگاهی از آموزه‌های نوین جرم‌شناسی و کیفرشناسی است و از سوی دیگر نشانه فاصله‌گرفتن ساختارهای قوه قضاییه از بطن اجتماع است. بی‌تفاوتی نسبت به مجرم و تشدید آسیب‌ها با بد مجازات‌کردن، یک معضل ایدئولوژیک، یک بحران اخلاقی، علمی و آموزشی است. این مشکل در ادامه گسترش انواع آسیب‌های اجتماعی در ایران به قشر قضات نیز رسیده است» (میرخلیلی و یعقوبی، ۱۳۹۶: ۱۲۸-۹۹).

۳-۲- تمایل به بازداشت پیش از محاکمه

«امروزه اصل «صدور قرار بازداشت موقت در موارد خاص و استثنایی» در اسناد بین‌المللی حقوق کشورهای مختلف پذیرفته شده است. در انگلستان به‌عنوان یک قاعده کلی، بازداشت موقت متهم درصورتی‌که جرم ارتکابی مستلزم مجازات حبس نباشد، ممنوع است، مگر این‌که متهم قبلا تحت قرار تأمین آزاد بوده و از حضور نزد مقام‌های قضایی در مواقع تعیین شده، امتناع داشته باشد» (مؤذن‌زادگان، ۱۳۷۳: ۲۵۴). «بازداشت قبل از محاکمه به‌دلیل ضعف و ناکارآمدی در سیاست‌های جنایی و رواج فرهنگ زندان، صرفا به ابزاری برای اعمال قدرت و حل مشکلات سطحی دولت‌ها در کنترل بزهکاری مبدل شده است. چنین پدیده‌ای مضاف بر نقض حقوق و آزادی‌های فردی، نقطه عزیمت تورم جمعیت کیفری زندان‌ها گردیده است. عدم تناسب قرار تأمین کیفری، عدم پذیرش کفیل، وثیقه و اعتراض، عدم تفهیم قرار تأمین، تفهیم اتهام بدون دلایل کافی و بدون توجه به فقد وصف جزایی، تغییر عنوان اعتیاد به استعمال، عدم توجه به مقررات اصلاحی بیمه مسؤولیت مدنی دارندگان وسیله نقلیه و تعقیب و تحقیق برخلاف موازین شرعی و‌قانونی در جرایم منافی عفت، ازجمله عوامل منجر به بازداشت قبل از محاکمه هستند» (شیریان

۱- در سال ۱۳۹۴ حکمی از محاکم کیفری در مورد سرقت ۸ عدد نارنج صادر شد و منجر به اظهار دیدگاه‌های مختلفی گردید و بسیاری آن را غیرعادلانه و نامتناسب دانستند؛ به‌موجب دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۱۵۱۱۴۰۰۴۸۶ صادره از شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان ساری در مورد متهمی که متأهل، باسواد و بازنشسته بود، به‌دلیل سرقت ۸ عدد نارنج، دادگاه حکم بر محکومیت متهم به تحمل یک سال حبس صادر نمود؛ به‌دلیل متأهل و باسوادبودن متهم و ناچیزبودن اقلام سرقت شده، این حکم مورد اعتراض افکار عمومی و حقوق‌دانان قرار گرفت. همچنین در پرونده معروف به «سرقت بادام هندی» که در فضای مجازی و جامعه به رأی جنجالی مشهور گردید و بسیاری از مردم و حقوق‌دانان آن را غیرعادلانه دانستند، دادگاه با استناد به ماده ۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ناظر بر ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی به‌لحاظ تأثیر تعزیر بر متهم و جهت اصلاح و تنبیه متهم، وی را به‌دلیل سرقت سه بسته بادام هندی به تحمل ده‌ماه حبس تعزیری محکوم نمود.

نسل و همکاران، ۱۳۹۹: ۹۰-۶۵) که درنهایت، موجب افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها می‌شوند.

۳-۳- عدم استقبال از پرونده شخصیت

«یکی از اهداف مجازات‌ها، این است که متهم با تحمل مجازاتی که بر او بار شده و سختی‌های آن، احساس ندامت و پشیمانی کند و مجازات، جنبه ارعاب‌انگیز و بازدارنده پیدا کند تا فرد دوباره مرتکب عمل مجرمانه نشود. برای این‌که کیفر، جنبه ارعاب‌انگیز و بازدارنده خود را داشته باشد و محکوم دوباره مرتکب جرم نشود، باید عواملی که باعث شده وی به سمت جرم برود را شناخت» (شاملو و کوزلی، ۱۳۹۰: ۱۱۸-۸۹).

باتوجه به آنچه گفته شد، ضرورت تشکیل پرونده شخصیت متهم، بیش از پیش آشکار می‌گردد، چراکه با تشکیل پرونده مزبور، برمبنای مشخصات مختلف جسمی، روحی، روانی و خانوادگی مجرمین، کیفر متناسب برای آن‌ها تعیین می‌گردد. پرونده شخصیت، یکی از محورهای مطالعاتی جرم‌شناسی بالینی بوده و ریشه در اصل تناسب جرم با مجازات دارد (گلدوست جویباری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۰-۷۷).

در کشورهای پیشرفته، بیش از نیم قرن است که برای شناخت دلایل ارتکاب جرم، پرونده شخصیتی برای مرتکب آن تشکیل می‌شود. قاضی دادگاه نیز با مطالعه پرونده مزبور و ملاحظه پرونده کنونی، رأی مناسبی جهت اصلاح و تربیت مجرم صادر می‌نماید (رسولی امیرحاجلو و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۴۴-۲۱۹). طبعا یک چنین حکمی، با عدالت و انصاف سازگار بوده و در بازسازی شخصیت مجرمین کاملا مؤثر واقع می‌شود.

متأسفانه هنوز در بسیاری از کشورهای سنتی و در حال پیشرفت، به این مسأله مهم (شناخت شخصیت مجرم) هیچ‌گونه توجهی مبذول نمی‌گردد، بدین‌جهت آرای کیفری صادره (ازجمله آرای مشتمل بر کیفر حبس) در این کشورها، تأثیر مثبتی در اصلاح مجرمین و تقلیل جرایم نخواهد داشت (صلاحی، ۱۳۹۲: ۸۵).

۱-۳-۳- مبانی تشکیل پرونده شخصیت

مهم‌ترین مبانی و اصول پایه برای تشکیل پرونده شخصیت را می‌توان در مبانی جرم‌شناختی و مبانی حقوق کیفری خلاصه و به بررسی آن‌ها پرداخت.

۱-۱-۳-۳- مبانی جرم‌شناختی

«مکتب تحققی، اندیشه لزوم توجه به شخصیت بزهکار را به‌همراه توجه به «بزه» مطرح نمود. در این مکتب نظر علمای حقوق کیفری بر آن بود که تعیین واکنش یا ضمانت اجرای مقرر در قبال جرم، زوال خصوصیت سزادهی از آن باید با توجه به شخصیت بزهکار و حالت خطرناکی او تعیین گردد. تأکید بر شخصیت بزهکار و پافشاری بر این‌که هر بزهکار به‌لحاظ شخصیتش باید تحت رژیم کیفری خاصی قرار داده شود، علمای حقوق کیفری را به این سمت سوق داد که باید در تعیین مجازات‌ها یا اقدامات تأمینی، اصل فردی‌کردن مجازات‌ها لحاظ گردد» (بولک، ۱۳۸۷: ۴۶-۴۵)؛ بر همین مبنا جرم‌شناسان در جرم‌شناسی بالینی از طریق تشکیل پرونده شخصیت سعی در شناخت علل بزهکاری در شخص و انطباق با شخصیت وی دارند (سبزه‌علی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۳-۶۷).

۲-۱-۳-۳- مبانی حقوق کیفری

«دیدگاه‌های مکاتب نوظهور حقوق کیفری از اواخر قرن نوزدهم تا اوایل قرن بیستم تأثیر به‌سزایی در پیش‌بینی تشکیل پرونده شخصیت داشت. دیدگاه مکتب اجتماعی نوین توسط **مارک آنسل**، اساس پیش‌بینی پرونده شخصیت در حقوق فرانسه است، زیرا اگر ضرورت اصلاح مجرمان به‌عنوان هدف غایی یا یکی از اهداف اصلی مجازات‌ها از باب وجوب تدارک مقدمات وصول به هدف مزبور، لزوم شناخت شخصیت مجرم از طریق تشکیل پرونده شخصیت امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد، برای حصول به هدف مزبور باید براساس نظام تقنینی، ضرورت تشکیل پرونده شخصیت بنابر اقتضای شرایط فرهنگی کشورها پیش‌بینی گردد تا قضات (اعم از قضات تحقیق) به استناد قوانین شفاف آیین دادرسی کیفری، دستور تشکیل پرونده شخصیت را با رعایت ضوابطی صادر نمایند» (سبزه‌علی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۳-۶۷).

۲-۳-۳- پرونده شخصیت در نظام عدالت کیفری ایران

در نظام عدالت کیفری ایران و در قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۷۸) فقط در مورد اطفال، تشکیل پرونده شخصیت اجباری بود و در مورد بزرگسالان، این امر به‌طور صریح پیش‌بینی نشده بود. بعدها به‌موجب آیین‌نامه نحوه تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان در سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی (مصوب ۱۳۸۴)، تشکیل پرونده شخصیت برای مجرمان، پیش‌بینی شد که تأثیر به‌سزایی در اتخاذ تصمیم مناسب توسط مقامات قضایی برای صدور حکم مناسب، تعلیق تعقیب مجرم، تعلیق مجازات او و یا حتی در مراحل بعدی، عفو مجرم داشت (کردعلیوند و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۲۹۴-۱۲۷۴). «در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۲۰۳، بازپرس در کنار پرونده کیفری، دستور تشکیل پرونده شخصیت در مرحله تحقیقات مقدماتی را در جرایم خاص (جرایمی که مجازات آن‌ها، سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد یا تعزیر درجه چهار و بالاتر است؛ در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آن، ثلث دیه کامل مجنی‌علیه یا بیشتر از آن باشد و نیز در مورد اطفال و نوجوانان) می‌دهد. همچنین به‌موجب ماده ۲۸۶ قانون مزبور، علاوه‌بر موارد وارده در ماده ۲۰۳، در جرایم تعزیری درجه پنج و شش نیز تشکیل پرونده شخصیت الزامی است» (سبزه‌علی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۳-۶۷).

۳-۳-۳- رویکرد رویه قضایی در قبال پرونده شخصیت

در حال حاضر بنا به گفته قضات محاکم کیفری، حتی در موارد اجباری‌بودن تشکیل پرونده شخصیت نیز هیچ تحقیقی توسط مددکار اجتماعی در رابطه با شخصیت مرتکب، وضعیت خانوادگی و اجتماعی وی و سایر عوامل مرتبط در ارتکاب جرم، انجام نمی‌شود و صرفا یک فرم با استفاده از اطلاعاتی که در پرونده درج شده و یا از خود متهم سؤال می‌گردد، به‌صورت صوری تنظیم و در پرونده قضایی ثبت و ضبط می‌شود (رسولی امیرحاجلو و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۴۴-۲۱۹).

شاید مهم‌ترین دلیل وضعیت پیش‌گفته را بتوان در عدم پیش‌بینی ضمانت اجرای قانونی در قبال نقض تکلیف پرونده شخصیت جستجو نمود، هرچند که رویه قضایی در این خصوص و به‌منظور رفع خلأ قانونی گفته شده، سعی نموده تا ضمانت اجراهای خاص خود را ارائه دهد. به‌عنوان نمونه، شعبه پانزدهم دیوان عالی کشور در دادنامه قطعی صادره در مورخ ۱۳۹۵/۰۵/۳۱، عدم تشکیل پرونده شخصیت متهم در جریان رسیدگی قضایی (و به‌طور خاص مرحله تحقیقات مقدماتی) را موجبات نقض دادنامه صادره تلقی نموده است.

۴-۳- خدشه‌دارشدن اصل حتمیت مجازات

براساس نظریه جرم‌شناختی انتخاب عقلانی، مرتکب اعمال خلاف هنجار، انسانی حسابگر است که قبل از اقدام، دست به سنجش می‌زند. بنابراین تمایل وی به ارتکاب جرم نه به‌دلیل نقص فرآیند جامعه‌پذیری، شرایط سخت زندگی یا قرارداشتن تحت سلطه یک نیروی نامعقول، بلکه به این دلیل است که مرتکب با انگیزه، در یک محاسبه، منافع احتمالی ارتکاب جرم را از معایب و زیان‌های آن بیشتر می‌داند، یعنی قبل از اقدام، معادله هزینه ـ فایده را انجام می‌دهد و پس از آن، ارزیابی خواهد کرد که منافع ارتکاب از عدم ارتکاب، بیشتر و قابل توجه خواهد بود یا خیر؟ بنابراین در اینجا، شایسته است پیرامون برداشت و استنباط‌های وی اقدام گردد (جندلی، ۱۳۹۳: ۸۷). امروزه متأثر از نظریه مزبور، در رویکرد جرم‌شناسی مدیریتی (مدیریت خطر فرصت‌های جرم) نیز بزهکار به‌عنوان یک کنش‌گر خردورز نگریسته می‌شود که تصمیم‌های محاسبه‌شده‌ای درباره هزینه‌ها و سود رفتار مجرمانه‌اش می‌گیرد؛ به همین دلیل، گفته شده که جرم‌شناسی مدیریتی درصدد کاهش فرصت‌های جرم از طریق سنگین‌ترکردن کفه هزینه‌ها و خطرهای جرم بر منافع ناشی از آن است که یکی از مهم‌ترین تدابیر در این راستا، افزایش حتمیت اجرای مجازات است. به‌عبارت دیگر، میزان مجازات مورد انتظار می‌باشد؛ توضیح مطلب این‌که در مباحث مربوط به بازدارندگی مجازات‌ها، بین (مجازات قانونی) و (مجازات مورد انتظار) تفاوت گذاشته می‌شود. مجازات قانونی، آن است که در قوانین پیش‌بینی شده است، اما مجرمی که در مقام تصمیم‌گیری برای ارتکاب جرم قرار می‌گیرد، علاوه‌بر شدت مجازات (جوان جعفری و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۱-۵۹) ـ که در [۱]

[۱]- شماری از فیلسوفان و نظریه‌پردازان مجازات، بر این عقیده‌اند که خشونت نهفته در واکنش‌های کیفری از این قابلیت برخوردار است تا اهدافی همچون

قانون پیش‌بینی شده است ـ قطعیت و احتمال آن را نیز در نظر می‌گیرد، به این ترتیب، مفهوم مجازات مورد انتظار مطرح می‌شود. مجازات مورد انتظار، نشان‌دهنده میزان واقعی مجازاتی است که درصورت ارتکاب جرم، متوجه فرد خواهد شد (چگنی و مربی، ۱۴۰۲: ۲۱-۱).

در سال‌های اخیر، در نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران به صورت بی‌ضابطه و بی‌رویه از نهادهای تخفیفی استفاده شده است که این امر، پس از تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، فزونی بیشتری نیز به خود گرفته است. علاوه‌بر این می‌توان به افزایش صدور بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌های متعدد از سوی مقامات عالی قوه قضاییه تحت عناوین مختلف مانند طرح پایش زندانیان، طرح کاهش زندانیان، اعطای مرخصی‌های پایان حبس، اعطای مرخصی اعیاد یا پیش‌بینی شش مناسبت در آیین‌نامه عفو بخشودگی در سال و همچنین عفو مکرر محکومان اشاره نمود که می‌تواند در کنار نشان‌دادن رأفت اسلامی، به‌معنای عدم اجرای کامل مجازات بوده و تا حدود زیادی، اصول حتمیت و قطعیت مجازات‌ها را متزلزل نموده و باعث عدم توازن هزینه جرم برای مرتکبین جرایم گردد.

نتیجه‌گیری

امروزه یکی از مجازات‌های رایج، مجازات حبس است. در دهه‌های اخیر و باتوجه به ازدیاد جرم و تنوع و تکثر شیوه‌ها و انواع آن، برای مقابله با مجرمان و به‌منظور دورنگه‌داشتن مجرم از جامعه، نظام‌های قضایی بیشتر توجه خود را به این مجازات معطوف نموده‌اند. این در حالی است که به موازات این امر، تبیین آثار نامطلوب این مجازات نیز همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های حقوق‌دانان، جرم‌شناسان و سایر صاحب نظران بوده و در رویکرد عملی بسیاری از نظام‌های عدالت کیفری به انحا و درجات مختلف، منعکس گردیده است. در سطح سیاست جنایی قضایی نیز تصمیمات و رویه‌های متعددی در دادسراها و دادگاه‌ها و توسط مسؤولان عالی قضایی در مورد مجازات حبس اتخاذ می‌گردد که سبب ناکارآمدی آن گردیده است. رویکردهای بخشنامه‌محورانه و مدیریت‌گرایانه دستگاه قضایی، پیشینه اجتماعی قضات، حجم کاری بالا و فقدان تخصص کافی در آن‌ها و نیز پاره‌ای جهت‌گیری‌های رویه قضایی (ازجمله عدم توجه به جایگزین‌های حبس در موارد لزوم، تمایل به بازداشت پیش از محاکمه، عدم استقبال از پرونده شخصیت و خدشه‌دارنمودن اصل حتمیت و قطعیت مجازات) را بایستی از مهم‌ترین عوامل ناکارآمدی مجازات حبس برشمرد.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافعی بوده است.

سهم نویسندگان: به‌صورت برابر.

تشکر و قدردانی: لازم است از تمام کسانی که در تدوین این مقاله ما را یاری رسانده‌اند، قدردانی نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مآخذ

- برومند، فاطمه (۱۳۹۲). «ارزیابی بازدارندگی مجازات حبس، جزای نقدی و تعلیق مجازات در جرایم نظامی». *مجله کارآگاه*، ۶(۲۴): ۹۷-۷۵.

- بولک، برنار (۱۳۸۷). *کیفرشناسی*. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ ششم، تهران: انتشارات مجد.

- بوم، رابرت (۱۳۸۹). «مک دونالدی کردن عدالت کیفری». ترجمه حسین غلامی و یوسف بابایی، *مجله حقوقی دادگستری*، ۷۴(۷۰): ۱۸۵-۱۵۳.

پیشگیری از تکرار جرم، اصلاح بزهکار و افزایش امنیت عمومی از طریق سلب توان بزهکاری را فراهم آورد. این اندیشمندان تأکید می‌کنند که مجازات‌های شدید، می‌تواند بازدارنده باشد، موجب برانگیختن حس ندامت اخلاقی در بزهکاران شده و یا دست کم به‌واسطه سلب توان آنان، امکان ارتکاب جرم را به حداقل برساند. در تقابل با این پیش‌فرض‌های فلسفی آرمان‌گرایانه، پژوهش‌های تجربی به اثبات رسانده‌اند که مجازات‌های شدید برخلاف تصور مرسوم، اثر بازدارندگی نداشته و نیز از این قابلیت برخوردار نیستند که حس بدهکاربودن به بزه‌دیده و جامعه را در بزهکار شعله‌ور کنند. برعکس، خشونت مجازات نیرویی تمام‌عیار برای زنده‌نگه‌داشتن حس انتقام از جامعه در بزهکار به‌شمار می‌آید.

– پروین، خیرالله و حیدرنژاد، ولی الله (۱۳۹۸). «مطالعه تطبیقی مدیریت عالی قوه قضاییه در نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا». *فصلنامه دانش حقوق عمومی*، ۸(۲۶): ۱۱۱–۱۳۴.

– پورمحمدی، رضا و صالحی مازندرانی، محمد (۱۳۹۹). *نظریه اصول فهم عرفی (شناخت علل وقایع از منظر فقه و حقوق)*. چاپ اول، قم: انتشارات دارالفکر.

– پورمحمدی، رضا؛ یوسفی، محمد مهدی و شاهنوش فروشانی، محمد عبدالصالح (۱۴۰۰). «تأثیر پیشینه اجتماعی قضات بر آرای قضایی». *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*، ۵۱(۳): ۴۲۷– ۴۰۹.

– جندلی، منون (۱۳۹۳). *درآمدی بر پیشگیری از جرم (تعاریف، تاریخچه، رویکردها و دورنما)*. ترجمه و تحقیق شهرام ابراهیمی، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.

– جوان جعفری، عبدالرضا و ساداتی، سید محمدجواد (۱۳۹۱). «سزاگرایی در فلسفه کیفر» *فصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری*.،۳(۱): ۸۱–۵۹.

– چگنی، وحید؛ و مربی، پیمان (۱۴۰۲). «تأثیر قطعیت اجرای مجازات حبس در بازدارندگی از تکرار جرم در جرایم مواد مخدر و روان‌گردان در استان البرز در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹». *فصلنامه علمی حقوق و مطالعات نوین*، ۴(۲): ۲۱–۱.

– حسینی، علیرضا و زینی‌زاده، زهره (۱۴۰۰). «آسیب‌شناسی جایگزین‌های حبس در راستای کاهش مجازات حبس تعزیری». *مجله دین و قانون*، ۹(۳۳): ۱۲۳–۱۰۵.

– خاکسار، داوود و غلامی، حسین (۱۳۹۷). «سیاست جنایی قضایی ایران در رابطه با مجازات‌های جایگزین حبس». *مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*،۶(۱۱): ۱۶۰–۱۳۱.

– خالقی، علی (۱۴۰۰). «قانون کاهش مجازات حبس تعزیری و قاعده‌ی اجرای فوری قوانین». *مجله راه وکالت*، ۱۳(۲۵): ۳–۱.

– رستمی، هادی (۱۴۰۰). «سیاست جنایی بخشنامه‌مدار در فرآیند دادرسی کیفری». *فصلنامه مجلس و راهبرد*، ۲۸(۱۰۸): ۳۲۱–۲۹۷.

– رسولی امیرحاجلو، اسحاق؛ ابراهیمی، شهرام و فروغی، فضل‌الله (۱۴۰۱). «چالش‌های قضایی و اجرایی زندان‌زدایی در سیاست جنایی ایران». *مجله حقوقی دادگستری*، ۸۶(۱۱۹): ۲۴۴–۲۱۹.

– سبزه‌علی، راضیه؛ اشرافی، محمود و حیدری، مسعود (۱۳۹۷). «آثار پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران». *مجله حقوقی دادگستری*،۸۲(۱۰۴): ۹۳–۶۷

– شاملو، محمد باقر و کوزلی، مهدی (۱۳۹۰). «پرونده شخصیت در حقوق کیفری ایران و فرانسه». *فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری*، ۱(۲): ۱۱۸–۸۹.

– شهبازی‌نیا، مرتضی؛ غمامی، مجید و جوان، صدیقه (۱۳۹۶). «فناوری اطلاعات و ارتباطات و عدالت قضایی». *دوفصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*،۲۲(۷۹–۸۰): ۱۲۱– ۱۴۸.

– شهشهانی، میرشمس (۱۳۸۶). *مجموعه مقالات (همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان)*. چاپ اول، تهران: نشر میزان.

– شیریان نسل، مریم؛ بیگی، جمال و پورقهرمانی، بابک (۱۳۹۹). «تورم جمعیت کیفری زندانها و نقض مقررات بین‌المللی حقوق بشر (علت‌ها و راهبردها)». *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*،۱۷(۳): ۹۰–۶۵

– صانعی، پرویز (۱۳۸۲). *حقوق و اجتماع (رابطه حقوق با عوامل اجتماعی و روانی)*. چاپ اول، تهران: انتشارات طرح نو.

– صلاحی، جاوید (۱۳۹۲). *کیفرشناسی*. چاپ سوم، تهران: انتشارات میزان.

– قاسمی کهریزسنگی، راضیه و فرجی‌ها، محمد (۱۳۹۴). «چالش عدالت و کارایی در گفتمان مدیریت‌گرایی کیفری با

تأکید بر حقوق ایران». *دوفصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری (دانشگاه علوم اسلامی رضوی)*، ۱(۹): ۵۴-۲۹.

- قماشی، سعید و احمدی، انور (۱۳۹۷). «بسترهای پیدایش عوام‌گرایی در دادرسی کیفری». *فصلنامه تحقیقات حقوقی معاهده*، ۲(۴): ۵۰-۹.

- کرد علیوند، فخرالدین؛ کاظمی، قباد و قاسمی، مسعود (۱۳۹۹). «سیاست جنایی قضایی ایران در اجرای مجازات حبس با تأکید بر دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های مصوب قوه قضاییه». *ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*،۳(۱۱): ۱۲۷۴-۱۲۹۴.

- گلدوست جویباری، رجب؛ میرکمالی، علیرضا و قبلی، ژاله (۱۳۹۷). «نوآوری‌های آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ درباره حقوق دفاعی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی». *دوفصلنامه دانش و پژوهش حقوقی*، ۴(۱): ۱۰۰-۷۷.

- لازرژ، کریستین (۱۴۰۰). *درآمدی بر سیاست جنایی*. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ نهم، تهران: انتشارات میزان.

- محقق داماد، سید مصطفی؛ حسینی نسب، سید مصطفی و پورمحمدی، رضا (۱۴۰۰). *نظریه اصولی*. چاپ اول، قم: انتشارات بوستان کتاب.

- مؤذن زادگان، حسنعلی (۱۳۷۳). «*حقوق دفاعی متهم در فرآیند کیفری و مطالعه تطبیقی آن*». رساله دکتری، به راهنمایی محمود آخوندی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

- میرخلیلی، محمود و یعقوبی، تقی (۱۳۹۶). «بررسی عوامل قضایی افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها». *فصلنامه راهبرد*، ۲۶(۸۲): ۱۲۸-۹۹.

- میرکمالی، سیدعلیرضا؛ حاجی‌زاده، نازنین و عبدالملکی، علیرضا (۱۴۰۲). «تأثیر مدیریت‌گرایی کیفری بر سیاست جنایی قضایی کشور (با تأکید بر مجازات‌های جایگزین حبس چالش‌ها و فرصت‌ها)». *فصلنامه پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*، ۱۱(۲۲): ۲۵-۱۲.